

چه کسانی از گسترش اتحادیه ی اروپا سود می برند؟

با پیوستن 10 کشور عضو جدید به اتحادیه ی اروپا در تاریخ اول ماه می 2004، تعداد اعضای این اتحادیه به 25 کشور رسیده است. کشورهای بلغارستان و رومانی نیز در سال 2007 به عضویت اتحادیه ی اروپا در خواهند آمد. به این ترتیب مرزهای شرقی اتحادیه ی اروپا تا سرحد شوروی سابق گسترش می یابد. کشورهای یوگسلاوی و آلبانی در حال حاضر خارج از این اتحاد اقتصادی- سیاسی قرار دارند.

دولتهای مقتدر این اتحادیه تبلیغات وسیعی در جهت تأیید سیاست های خود به راه انداخته اند. تحقق دموکراسی و قانون، برقراری صلح و امنیت و نیز ایجاد ثبات سیاسی در کشورهای جدید عضو، از جمله اهدافی هستند که در این تبلیغات عنوان می شوند. با وجود این، طبق همه پرسسی هایی که صورت گرفته است، اکثر مردم اروپای غربی مخالف پیوستن کشورهای اروپای شرقی به این اتحادیه هستند. بر اساس این همه پرسسی ها علت این مخالفت را می توان به طور عمده، ترس از افزایش بیکاری، کاهش دستمزدها و خدمات اجتماعی دولتی، و نیز افزایش جرائم نام برد.

در این مقاله سعی می شود علل حمایت دولت های اروپای غربی، به ویژه کشور آلمان، از این اتحاد جدید، و پیامدهای این اتحاد برای طبقه ی کارگر و زحمتکشان کشورهای اروپای غربی و شرقی بررسی گردد.

طبق خبری در روزنامه ی تایمز مالی، در کنار رؤسای اتحادیه ی اروپا مانند گونتر فرهوی گن کمیسر آلمانی در بروکسل و سیاستمداران، سرمایه داران بزرگ نیز به ویژه صاحبان کنسرن های آلمان، پیوستن کشورهای اروپای شرقی به اتحادیه ی اروپا را با باز کردن شامپانی جشن گرفتند.

این شادی و سرور با دنظر گرفتن سود سرشاری که نصیب طبقه ی سرمایه دار جهانی از طریق گسترش اتحادیه ی اروپا در مرزهای شرقی می گردد، تعجبی ندارد.

عضویت کشورهای اروپای شرقی که با برآورده کردن شرط های تعیین شده از سوی اتحادیه ی اروپا عملی گردیده است، این کشورها را به زیر سیطره ی سرمایه داران کشورهای پیشرفته ی غرب اروپا کشانده و آنان را مجبور به اجرای بی چون و چرای سیاست های کنسرن های بین المللی می کند.

اهمیت اروپای شرقی برای اقتصاد بازار جهانی و به ویژه سرمایه داران کشورهای آلمان را می توان با نگاهی به سهم مبادلات تجاری این کشورها دریافت. در حال حاضر سهم تجارت خارجی کشور آلمان با کشورهای اروپای شرقی میزان 12% کل تجارت خارجی آلمان را در بر می گیرد. به این ترتیب آلمان نسبت به کشورهایمانند فرانسه (10%)، بریتانیا (8 درصد) و آمریکا (9%)، بزرگترین طرف تجاری اروپای شرقی است.

خصوصی سازی بخش دولتی یکی از شروط اساسی ورود به اتحادیه ی اروپا می باشد. در طی 10 سال گذشته در این کشورها تقریباً تمام شرکت های دولتی خصوصی گردیده و فروش بخش های سودآوری مانند مخابرات و یا ماشین سازی به قیمت بسیار ارزان به کنسرن های خارجی، سود سرشاری را نصیب این کنسرن ها کرده است. در کشور مجارستان 36% و در اسلواکی 13% تمامی شرکت ها متعلق به سرمایه داران خارجی و به ویژه آلمانی هستند. کارخانه ی فولکس واگن در سال 1991، کارخانه ی اتومبیل سازی سکودا را خرید. شرکت بین المللی آب برلین (RWE) که از ادغام کنسرن آلمانی (RWE)، Allianz و شرکت فرانسوی Vivendi ایجاد شده است، با خرید اقتصاد آب جمهوری چک، قیمت آب را در عرض سه سال به میزان دو برابر افزایش داد. شرکت مخابرات آلمان (Deutsche Telekom) تقریباً تمامی شبکه های تلفنی کشورهای اروپای شرقی را خرید و قیمت ها را افزایش داده است. تنها کنسرن زمینس صاحب 95 شرکت تابع است که 25000 نفر شاغل را در بر می گیرد.

در حالی که سرمایه داران کنسرن های بین المللی و اقلیت کوچکی از مردم کشورهای اروپای شرقی که در شهرهای بزرگ زندگی می کنند، از سرمایه گذاری های خارجی سود می برند، توده ی انبوه مردم روز به روز فقیرتر می شود. در حال حاضر بیش از نیم میلیون کارگر در کشورهای اروپای شرقی برای کارخانجاتی که کنسرن های آلمانی سهام داران آنها هستند، با حداقل دستمزد، به کار مشغول می باشند.

دولت های اروپای شرقی نه تنها در برابر این سیاست ها مقاومتی نمی کنند، بلکه با پایین آوردن مالیات برای سرمایه گذاری های خارجی، برای جذب این سرمایه ها رقابت می کنند. مقایسه ی میزان این مالیات ها در لهستان (20%)، اسلواکی (25%)، چک (39%) با درصد مالیات در کشور آلمان

(42%) نشانگر این رقابت می باشد. این تخفیف های مالیاتی برای سرمایه داران، همزمان به معنی کاهش و یا حذف خدمات اجتماعی مانند سیستم خدمات درمانی دولتی، بازنشستگی، بیمه ی بیکاری و ... توسط این دولت ها است. امری که برای توده ی مردم عواقب بسیار منفی به همراه دارد. به همین دلیل در پی اعلام دولت اسلواکی مبنی بر تقلیل کمک های اجتماعی به نیازمندان از 75 یورو به 35 یورو در ماه، در سال 2004 حرکت های اعتراضی زیادی از سوی مردم صورت گرفت.

در کشور لهستان درصد بیکاری از 6,5 درصد در سال 1990، به 10,5 درصد در سال 1998 رسیده و در حال حاضر 18% (در بعضی از مناطق 60%) می باشد. این امواج بیکاری در پی برآورده ساختن یکی از شروط اتحادیه ی اروپا مبنی بر حذف سوبسید دولتی در کشورهای اروپای شرقی به وجود آمده است، چرا که بسیاری از صنایع مانند صنایع سنگین، معادن و صنعت تأمین انرژی در کشور لهستان بدون سوبسید دولتی یاری رقابت در عرصه ی بازار بین المللی را ندارند و به اخراج های دسته جمعی کارگران دست می زنند.

گسترش اتحادیه ی اروپا به ویژه برای کشاورزان کشورهای اروپای شرقی صدمات جبران ناپذیری را به بار خواهد آورد. این کشاورزان که با جنبش اعتراضی خود بر علیه جمعی سازی تولید کشاورزی در بلوک شرق در دهه ی 50 قادر به حفظ زمین های کوچکی برای خود گردیده بودند، و تعدادشان به 8 میلیون نفر می رسد طبق سیاست اتحادیه ی اروپا تنها 20% از سوبسیدی را دریافت خواهند کرد که کشاورزان در کشورهای اروپای غربی دریافت می کنند، چرا که اتحادیه ی اروپا پرداخت سوبسید بیش از این را برای دولت های اروپای شرقی ممنوع کرده است. در پی این سیاست طبق پیش بینی های اتحادیه ی اروپا، از 8 میلیون کشاورز اروپای شرقی در حال حاضر، تنها 100000 کشاورز در آینده قادر به حفظ زمین های خود خواهند بود. به این ترتیب زمین های کشاورزی نیز مانند صنایع این کشورها به زودی به قیمت حراج به کنسرن های بین المللی فروخته خواهد شد و کشاورزانی که زمانی صاحب زمین بودند در کنار کارگران بیکار به عنوان نیروی کار ارزان در اختیار این کنسرن ها قرار می گیرند.

برای کنترل بازار کار نیز تدابیر لازم از سوی اتحادیه ی اروپا اتخاذ شده است. همانطور که آمریکا با بر پا داشتن «پرده ی آهنین» در مرز مکزیک از ورود مهاجرین از کشورهای آمریکای لاتین به ایالات متحده جلوگیری کرده است، کشورهای غربی اروپا نیز سعی در ایجاد مرزهایی نفوذ ناپذیر برای مهاجرین و پناهجویان دارد. طبق قرارداد شننگن، داشتن ویزا برای ساکنین کشورهای خارج از این قرارداد، جهت ورود به کشورهای شننگن اجباری است. از زمان عقد این قرارداد کنترل های مرزی افزایش یافته، و صدها انسان که سعی در عبور غیرقانونی از این مرزها را داشته اند، جان خود را از دست داده اند. اتحادیه ی اروپا 50 میلیون یورو برای خرید اسلحه و تجهیزات لازم در اختیار پلیس مرزی لهستان قرار داده است. در حالی که تابعین کشورهای عضو قدیمی اتحادیه ی اروپا حق کار در کشورهای اروپای شرقی را دارند، این حق از مردم کشورهای اروپای شرقی گرفته شده و آنان اجازه ی کار قانونی در کشورهای غربی اتحادیه ی اروپا را ندارند. از سویی دیگر به دلیل فقر و بیکاری در کشورهای اروپای شرقی بسیاری از کارگران و زحمتکشان این کشورها برای ادامه ی بقای خود و خانواده ی خود مجبور به آمدن به کشورهای پیشرفته ی صنعتی و اشتغال به کار سیاه می گردند. کار سیاه برای کارگران به معنای دستمزد ناچیز و تن دادن به بدترین شرایط کار بدون داشتن حق بیمه ی درمانی، بازنشستگی و بیکاری است. برای کارگران کشورهای غربی نیز این امر به معنای بدتر شدن شرایط کار، کاهش دستمزد و تنزل مزایای کار است. طبق طرحی که از سوی کمیسیون اتحادیه ی اروپا ارائه شده است، تعرفه های دستمزد در اروپای شرقی، در آینده الگوی تعرفه های دستمزد در بازار کار اروپای غربی می گردند. استدلال این کمیسیون برای ارائه ی این طرح، جلوگیری از فرار سرمایه ها به اروپای شرقی می باشد. به طور مثال حقوق یک کارگر متخصص در آلمان غربی، 4 برابر همان کارگر در اروپای شرقی است. این استدلال در عین حال برای فریب کارگران نیز به کار برده می شود، چرا که واقعیت به این سادگی هم نیست. دستمزد کارگر در محاسبات شرکت ها تنها یک فاکتور می باشد. فاکتور مهم دیگر ساختار داخلی نامناسب کشورهای اروپای شرقی است که باعث می شود هزینه ی نیروی کار در مجموع ارزان تر از این هزینه در کشورهای اروپای غربی باشد. هزینه ی نیروی کار در کشور اسلواکی 48% و در رومانی 27% کشورهای غربی است. هنگامی که این دو عامل، یعنی

دستمزد کارگر و هزینه ی نیروی کار با هم در نظر گرفته شوند، نتیجه این می شود که کارگران کشورهای غربی به هیچ وجه یارای رقابت با کارگران کشورهای شرقی را نخواهند داشت و به همین دلیل شرایط کار در کشورهای غربی روز به روز بدتر خواهد شد. به این ترتیب کارگران کشورهای اروپای غربی و شرقی به عنوان رقیب در بازار کار در مقابل یکدیگر قرار می گیرند.

علل گسترش اتحادیه ی اروپا

وضعیت کنونی کشورهای سابق بلوک شرق ثابت می کند که بازار آزاد، معضلات این کشورها را نه تنها حل نمی کند، بلکه بر این معضلات می افزاید.

پس از جنگ جهانی دوم کشورهای اروپای شرقی در تقسیمات جدید که بر اساس رقابت بین دو ابرقدرت صورت گرفت، در بلوک شرق جای گرفتند. اگرچه در بلوک شرق «طرح مارشال» وجود نداشت، ولی تقریباً تمامی کشورهای این بلوک مدل اداره ی دولتی اقتصاد در شوروی را پذیرفته و به قیمت پایین نگاه داشتن سطح دستمزدها، به طور نسبی مدرنیزاسیون صنعتی در این کشورها تحقق یافت.

در کشورهای بلوک غرب در دوران رونق اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم پروسه ی مدرنیزاسیون صنعتی سرعت یافته بود. در سال های 1973/74 اولین بحران اقتصادی پس از دهه ی 40 آغاز گشت. طبقه ی سرمایه داری در کشورهای غربی در این شرایط برای حل بحران به روند بین المللی کردن سرمایه سرعت و ابعاد تازه ای بخشید. در این راستا نقش دولت های ملی و دولت های رفاه کاهش یافته و سطح زندگی کارگران تنزل داده شد.

کشورهای بلوک شرق نیز از این تغییرات در امان نماندند. با وجود این که سرمایه خصوصی نشد، اما برای رقابت در عرصه ی بازار جهانی، مبارزه برای محدود ساختن قدرت اقتصاد دولتی آغاز گشت. به طور مثال صنعت الکترونیک به ویژه بخش میکروالکترونیک در کشورهای غربی از دهه ی هشتاد رشد زیادی داشته است. در بلوک شرق دولت های بوروکرات برای جبران عقب ماندگی در تولیدات این بخش، به تنزل سطح زندگی کارگران و زحمتکشان این کشورها اقدام کردند که با تظاهرات و اعتراضات گسترده ای روبرو شد. به طور مثال می توان در این رابطه از جنبش همبستگی در کشور لهستان نام برد که سهم به سزایی در سقوط بلوک شرق ایفا کرد. پس از 1989 سقوط اقتصادی در بلوک شرق آغاز گشت. کنسرن های اروپایی که خود از اواخر دهه ی هشتاد دچار ضعف اقتصادی شده بودند، در پی آن برآمدند تا از شرایط موجود در بلوک شرق استفاده کرده و سود خود را افزایش دهند. صندوق بین المللی پول و بانک جهانی با دادن وام به کشورهای اروپای شرقی آنان را مجبور به اجرای سیاست های خود کردند. خصوصی سازی سریع و واگذاری بخش های دولتی به قیمت بسیار ارزان به کنسرن های غربی یکی از مهمترین این شرط ها بود. به طور مثال در کشور چکسلواکی کارخانه ای به قیمت یک دلار آمریکا فروخته شد. از دیگر شرط ها می توان از کاهش و یا حذف سیستم های تأمین اجتماعی دولتی نام برد. ایجاد عاملانۀ ی تورم در کشور لهستان به میزان 200% باعث شد که کارگرانی که در طی سال ها کار پس اندازی داشتند، تمام اندوخته ی خود را خرج کنند. به این ترتیب بحران موجود در کشورهای بلوک شرق تقویت شده و زمینه های اقتصادی و اجتماعی فروپاشی این بلوک فراهم آمد. این سیاست ها حامیان خود را نیز در حکومت های کشورهای بلوک شرق یافته و مخالفان این سیاست ها را در داخل کشور سرکوب و یا ایزوله کردند. تنها سه کشور بودند که از پذیرفتن این سیاست ها سرباز زدند: اسلواکی تحت حکومت Meciar، رومانی در دوران Iliescu و یوگسلاوی در زمان حکومت Milosevic. مقاومت این کشورها با حمله به یوگسلاوی در سال 1999 درهم شکسته شد. این حمله در واقع درسی بود برای دیگر دولت های اروپای شرقی تا در مقابل حرکت سرمایه داری جهانی مقاومت نکنند.

پیوستن کشورهای اروپای شرقی به اتحادیه ی اروپا به معنای قرار گرفتن این کشورها تحت سلطه ی کنسرن های جهانی، به ویژه کنسرن های اروپایی است. طبقه ی سرمایه دار برای دستیابی به مواد خام، نیروی کار ارزان و بازار های جدید اقدام به تقسیمات جدیدی مانند دوران پس از جنگ جهانی دوم می کند. در این راستا در صورتی که اعمال فشار اقتصادی کافی نباشد، ابزار نظامی نیز به کار گرفته می شود.

همبستگی بین المللی به جای رقابت بین المللی

کمیسون اتحادیه ی اروپا با ذکر نمونه ی اسپانیا و پرتغال ادعا می کند که بحران کشورهای اروپای شرقی با پیوستن این کشورها به اتحادیه ی اروپا حل شده و تفاوت سطح تولید، همچون نمونه های اسپانیا و پرتغال، با کشورهای اروپای غربی برطرف می شود. در حالی که شرایط امروز جهانی با شرایط اوایل دهه ی هشتاد که کشورهای اسپانیا، پرتغال و یونان به اتحادیه ی اروپا پیوستند، تفاوت فاحشی دارد. در شرایط کنونی به جای این که سطح زندگی در این کشورها بهبود یابد، عکس آن صورت می گیرد؛ یعنی سطح زندگی کارگران و زحمتکشان کشورهای غربی تنزل می یابد. مصداق این امر را می توان با بررسی وضعیت کشورهای آلمان پس از وحدت آلمان شرقی و غربی دریافت. در حالیکه هنگام وحدت آلمان میزان کمک مالی تعیین شده از سوی اتحادیه ی اروپا بالغ بر 450 میلیارد یورو بود و این مبلغ برای 16 میلیون جمعیت ساکن در آلمان شرقی در نظر گرفته شده بود، اکنون تنها مبلغ 40 میلیارد یورو برای کمک به بازسازی اروپای شرقی که 75 میلیون انسان را در بر می گیرد، در نظر گرفته شده است. اکنون پس از گذشت حدود 14 سال از وحدت آلمان نه تنها سطح دستمزد کارگران آلمان شرقی هنوز پایین تر از کارگران آلمان غربی است، بلکه معضلات اجتماعی مردم و و همزمان فاشیسم افزایش یافته است، چرا که از این موقعیت سازمان های فاشیستی و احزاب راست سو ی استفاده کرده و خارجی ها را مسئول وخامت اوضاع اقتصادی و اجتماعی معرفی می کنند. در عین حال احزاب راستی که در اروپا روی کار آمده اند نیز هیچگونه اصلاحاتی برای بهبود وضعیت مردم انجام نداده اند.

اما چگونه می توان با این وضعیت مبارزه کرد؟ اتحادیه ی اروپا نه تنها هیچ الگویی برای حل این معضلات عرضه نمی کند، بلکه با واداشتن کشورهای عضو به اجرای "طرح ثبات"، این کشورها را مجبور به صرفه جویی در ارائه ی خدمات اجتماعی می کند. اگرچه در حال حاضر مقاومت و اعتراض در کشورهای اروپایی وجود دارد، ولی این اعتراضات کافی نیست. یکی از علل ضعف این جنبش، عدم وجود تشکل های مستقل کارگران به ویژه در کشورهای اروپای شرقی است. در حال حاضر در کشور لهستان اتحادیه ای به نام «پاییز 80» وجود دارد که از خواسته های دهقانان نیز حمایت می کند. دهقانان لهستانی، خود به تشکیل سازمان توده ای مستقلی به نام «همبستگی» دست زده اند. این تشکل ها در سال های اخیر اعتراضات زیادی از جمله اکیسیون های مستقیم مانند اشغال ساختمان ها و مسدود ساختن خیابان ها را سازماندهی کرده اند. رهبران فعال این تشکل ها بارها از سوی دولت لهستان به محاکمه کشیده و به زندان افتاده اند. با این وجود، این تشکل ها با 10% آرای در پارلمان لهستان نمایندگی شده و از این جایگاه نافرمانی های مدنی بر علیه سیاست های حاکم را تبلیغ می کنند. در کشورهای اروپای غربی با این که اتحادیه ها وجود دارند، ولی به جای حمایت از منافع طبقه ی کارگر، از دیدگاهی ناسیونالیستی از سیاست های حکومت کشور خود حمایت می کنند.

تنها راه متوقف کردن روند فقر روزافزون طبقه ی کارگر و زحمتکش به پیش بردن مبارزه ای مشترک بر علیه طبقه ی سرمایه دار است، چرا که مقابله با سرمایه داری جهانی تنها از طریق همبستگی جهانی کارگر جهان امکان پذیر است. بنابر این جنبش ضد گلوبالیزاسیون و ضد کاپیتالیسم نقش تعیین کننده ای در حل معضلات اجتماعی و اقتصادی در اروپا و در سراسر جهان خواهد داشت.

نویسنده: ا. پویش

منابع:

-Hannes Hofbauer: Osterweiterung, Vom Drang nach Osten zur peripherien EU- Integration, Wien 2003.

-http://www.innovations-report.de/html/berichte/statistiken/bericht - 15867.html.

-Olaf Klenke: Ist die DDR an der Globalisierung gescheitert?, Berlin 2001

-Brenner- Brief No. 18, März 2004, der Otto- Brenner- Stiftung (Löhne und Arbeitsproduktivität).

-iw- Dienst 15.4.04 (Direktinvestitionen im Osten)

-Anne Karrass/ Ingo Schmidt u.a. : Europa: Lieber sozial als neoliberal, Attac Basis Texte 11, Hamburg 2004.

-www. Dgb.de/ themen/ europa.